

# تکیه‌گاه فروریخته

## بررسی علل بحران در صندوق بازنشتی کشوری



**مهدی رادمهر**  
کارشناس ارشد معاونت اقتصادی وزارت  
تعاون کار و رفاه اجتماعی کار

۴۲



در حالی که  
تعداد شاغلان  
مشترک صندوق  
بازنشتی  
کشوری در  
سال‌های اخیر  
کاهش یافته  
است، تعداد  
مستمری‌گیران  
روند افزایشی  
داشته است  
که این مسئله  
از یک سو  
موجب کاهش  
منابع دریافتی  
صندوق و از  
سوی دیگر  
موجب افزایش  
مصارف  
صندوق‌های  
شده است.

صندوق‌های بازنشتی و به‌طور کلی مؤسسات بیمه‌ای در زمره نهادهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارند و از دو مولفه مهم متأثر می‌شوند: جمعیت و منابع و مصارف آن صندوق. در مرحله جوانی هر صندوق، تعداد کسانی که سهم خود را به آن می‌پردازند، زیاد است و تعداد کسانی که از آن سهمی دریافت می‌کنند، کم. در این مرحله صندوق پایدار است اما به مرور که تعداد بازنشتگران زیاد می‌شود، منابع و مصارف تغییری نمی‌کند؛ همچنین تحولات اقتصاد کلان دارای علیت دوطرفه با بازده صندوق‌های بازنشتی هستند. در این بین متغیرهای اقتصاد کلان، از مسیر تحت‌تأثیر قرارداد سطح اشتغال بر ورودی صندوق‌ها و از مسیر تحت‌تأثیر قرارداد بنگاه‌های زیرمجموعه و بازار بورس بر بازدهی‌های صندوق‌های بازنشتی، اثرگذار خواهند بود. همچنین سیاست‌گذاری برای تعریف دامنه تعهدات، مانند میزان مستمری بازنشتگران، سن بازنشتی و... خروجی‌های صندوق بازنشتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

**تعداد شاغلان:** نمودار زیر روند رشد تعداد شاغلان و مستمری‌گیران صندوق بازنشتی را نشان می‌دهد. در حالی که تعداد شاغلان مشترک صندوق بازنشتی کشوری در سال‌های اخیر کاهش یافته، تعداد مستمری‌گیران روند افزایشی داشته است که این مسئله از یک سو موجب کاهش منابع دریافتی صندوق و از سوی دیگر موجب افزایش مصارف صندوق شده است. در حالی که استاندارد سطح پشتیبانی، یعنی نسبت کسانی که حق بیمه پرداخت می‌کنند به کسانی که آن را دریافت می‌کنند، شش‌به‌یک است، در حال حاضر این نسبت به یک‌به‌یک کاهش یافته است.

همچنین افزایش تعداد مستمری‌گیران، ضمن کاهش تعداد شاغلان و همچنین فزونی رشد مصارف نسبت به منابع، موجب شده است تا صندوق با بحران مالی مواجه شود، به‌طوری‌که در نرخ حق بیمه پرداختی سهم کارفرما از سال ۱۳۷۹، ۲۰٫۵ درصد است، اما نرخ حق بیمه تعادلی از ۱۹ درصد در ۱۳۷۹ به ۱۲۰ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است؛ یعنی در سال ۱۳۹۲ برای حفظ تعادل منابع و مصارف صندوق، نیاز به کسر حق بیمه‌ای معادل حداقل ۱۲۰ درصد حقوق یک فرد شاغل بوده است.

بنابراین می‌توان اذعان داشت، صندوق بازنشتی با بحرانی جدی روبه‌روست. حال سؤال مهم اینجاست که چه عواملی باعث برهم‌خوردن تعادل صندوق بازنشتی شده است؟

صندوق بازنشتی در مقابل نوسانات اقتصاد کلان و تغییر ترکیب جمعیتی بسیار حساس است. تحولات اقتصاد کلان از مسیر تحت‌تأثیر

قراردادن اشتغال و همچنین تورم از مسیر متأثر کردن ارزش دارایی‌ها، صندوق بازنشتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.

**رشد اقتصادی:** به‌طور معمول انتظار بر این است که افزایش رشد اقتصادی بتواند از طریق افزایش تقاضا برای نیروی کار و افزایش استخدام، نرخ بیکاری را کاهش دهد. در ادبیات اقتصادی، رابطه بین رشد اقتصادی و نرخ بیکاری به «قانون اوکان» شهرت دارد. قانون اوکان توضیح می‌دهد که در آمریکا به‌ازای هر ۲٫۵ درصد رشد اقتصادی که به مدت یک سال تداوم داشته باشد، نرخ بیکاری به میزان یک‌درصد کاهش می‌یابد. براساس این قانون، بین رشد اقتصادی و نرخ بیکاری رابطه‌ای معکوس وجود دارد. با این حال اگر رشد اقتصادی مداوم نباشد، به‌جای افزایش تعداد نیروی کار شاغل، بنگاه‌ها معمولاً با افزایش ساعات اشتغال نیروی کار موجود، کمبود نیروی کار را جبران می‌کنند، زیرا تعدیل نیروی کار به‌دلیل قوانین و مقررات به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و تعهداتی را برای بنگاه‌ها ایجاد می‌کند. از این‌روست که تنها در صورتی اشتغال افزایش می‌یابد که رشد اقتصادی تداوم داشته باشد. به‌همین دلیل نمی‌توان هر نوع رشدی را رشد اشتغال‌زا دانست.

بررسی وضعیت عرضه نیروی کار نشان می‌دهد تغییرات جمعیت جوان (۲۴-۱۵ ساله) از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ از روند کاهشی برخوردار بوده، به‌طوری‌که طی این دوره زمانی تعداد ۳٫۸ میلیون نفر از جمعیت جوان کشور کاسته شده است که علت آن مربوط به پایین‌بودن متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در سال‌های ۱۳۷۵ و ماقبل است. تحولات مربوط به جمعیت با تحصیلات عالی طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۴ در نقطه مقابل جمعیت جوان بوده، به‌طوری‌که جمعیت این گروه از افراد جامعه روندی کاملاً صعودی داشته و در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۸۴ به تعداد این گروه جمعیتی ۵٫۶ میلیون نفر اضافه شده است که مهم‌ترین دلیل آن گسترش نظام آموزش عالی کشور و جایگزین‌شدن تحصیل به‌جای اشتغال بوده است. بررسی وضعیت طرف تقاضای نیروی کار حاکی از آن است که خالص اشتغال جوانان کشور طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۵ همواره منفی بوده که نشان‌دهنده روند کاهشی اشتغال جوانان است و رشد اشتغال در سال ۱۳۹۴ بسیار اندک بوده است و موضوع نگران‌کننده اینکه تعداد افراد شاغل در مشاغل غیرقابل طبقه‌بندی در حال افزایش است. طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۴ روند تغییرات نرخ مشارکت جوانان، نرخ مشارکت تحصیلکردگان عالی و همچنین نرخ مشارکت کل نزولی بوده، ضمن اینکه طی همین دوره، نرخ مشارکت تحصیلکردگان عالی نسبت به نرخ مشارکت کل و نرخ مشارکت جوانان همواره از رقم بزرگ‌تری برخوردار بوده است. بررسی وضعیت بیکاری نشان می‌دهد تعداد جمعیت بیکار کشور در سال ۱۳۸۹ در حداکثر مقدار خود (۲۲۰۳ میلیون نفر) طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۴ بوده، به‌طوری‌که نرخ بیکاری در این سال به ۱۳٫۵ درصد (بیشترین نرخ بیکاری طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۴)